

تحلیل تطبیقی لالایی‌های فارسی و انگلیسی از منظر فرانش اندیشگانی

مریم جلالی (عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی)^۱

چکیده

تعیین قدمت لالایی‌های ملل مختلف نامشخص است اما شکی نیست که لالایی‌ها از نخستین سازه‌های ادبی به شمار می‌آیند و به صورت شفاهی خلق و سینه به سینه انتقال داده شده‌اند. در لایه‌های زیرین این اشعار، حقایقی پنهان است که دریافت آن نیاز به ژرف‌اندیشی در متن دارد. در این پژوهش، به بررسی تفکر زبانی در لالایی‌های فارسی و انگلیسی از منظر فرانش اندیشگانی پرداخته شده است. با داشتن این پیش فرض که رویدادها در زبان انعکاس می‌یابند، بر این باوریم که بررسی حاضر می‌تواند تحلیلی از گفتمان حاکم بر متن لالایی‌های فارسی و انگلیسی را به صورت تطبیقی در اختیار قرار دهد. یافته‌ها کاربرد همسان فرایندهای مادی، کلامی و ذهنی در لالایی‌های دو کشور را نشان می‌دهند. بر این اساس، خوانش‌هایی مرتبط با نقش اجتماعی زنان، سطوح کنشگری و کنش پذیری آنان و کیفیت ایجاد انتظار مثبت و منفی از متن لالایی‌ها استخراج شده است.

کلیدواژه‌ها: لالایی‌ها، فرانش اندیشگانی، فارسی، انگلیسی

مقدمه

عصر حاضر دوران تخصصی شدن دانش و علم است و ادبیات از این ماجرا مستثنی نبوده و نیست. بخش مهمی از فرهنگ مشترک افراد جامعه متمرکز بر تجربه‌هایی است که مبنای آن ادبیات است. به همین دلیل، گروهی به رابطه متقابل ادبیات و فرهنگ اجتماعی باور دارند و معتقدند که ادبیات، از دیدگاه وجودی، بخشی از فرهنگ هر جامعه است (ارشاد ۱۱). یکی از زیرشاخه‌های انواع ادبی، به لحاظ فرم و محتوا، ادبیات فولکلور است. این موضوع چندان مهم است که ادبیات شفاهی یا عامه را مرحله اولیه شکل‌گیری آثار ادبی، به معنای کلی و رسمی، دانسته‌اند (سپیک ۱۲؛ ولک و آوستن ۴۲). لالایی‌ها در تمام جهان جزء جدایی‌ناپذیر ادبیات فولکلور است که سینه به سینه نقل شده و در طول زمان، به اقتضای نیازهای فرهنگی و اجتماعی، گاه تغییر و تطور داشته و حیات خود را حفظ کرده است.

در نگاه کلی، با اینکه لالایی‌ها جهانی هستند، زمان دقیق سرایش آن برای ملل اهمیت چندانی ندارد. مهم این است که متن لالایی‌ها با جادوی زمزمه و آوا در زمان خواب کودکان اضطراب را از بین می‌برد و زندگی بدون مرز و زیبایی برای کودکان درست می‌کند. این نخستین دلیل ماندگاری لالایی‌ها در جهان است. معنای این کلان‌نگری آن است که «از پنجره لالایی‌ها به سادگی می‌توان به درون خانه دل‌مادران راه یافت و آرزوها و خواسته‌هایشان را بازشناخت» (حسن‌لی ۶۳).

ارزش و اهمیت لالایی‌ها، به دلیل داشتن ماهیت تجربی و به عنوان سرمایه فراملی سرزمین‌ها، بر کسی پوشیده نیست. مضامین پنهان و آشکار قابل ملاحظه‌ای از تک‌تک بندهای لالایی‌ها بیرون می‌جهد و مفاهیمی همچون غم و شادی، مرگ و زندگی، «بزرگ شدن و ازدواج کردن، رسیدن به جاه و مقام، کسب ثروت، علم، دعا کردن» (جمالی ۲۶) از میان آن به گوش می‌رسد که گویی کلام و همدلی مشترک میان ملل غیرهمزبان است. با همین فرض، تمامی لالایی‌ها اساساً مورفولوژی یکسانی دارند. علت این تشابهات در فرهنگ و ادبیات فولکلور «شرایط مشابه رشد و گذار مردمان در جوامع مختلف از مرحله‌ای به مرحله دیگر به طور همزمان و ناشی از سادگی در احساس و اندیشه مردم عامی یا هم‌ریشگی فرهنگی به شکل عمومی» (عمرانی ۱۹)

است که در قالب این زیرمجموعه ادبی بیان شده است. از سوی دیگر، در لایه‌های زیرین لالایی‌ها حقایق پنهان است که تنها با تعمق می‌توان به آنها دست یافت. این حقایق شامل بازیابی مبانی شکل‌دهنده ارزش‌های امروزی، طرز تفکر و حتی افت‌وخیزهای فردی و اجتماعی ملی و فراملی مختلف می‌شود. در این میان «مطالعه محصولات ادبی فرهنگی فراملی در قلب ادبیات تطبیقی جای دارد. مطالعاتی که در قرن نوزدهم در دانشگاه‌ها به عنوان رشته‌ای مستقل در مقابل مطالعات زبان و ادبیات ملی دایر شد» (اسالیوان^۱، ۹). از آنجا که در بحث تطبیق، کلی‌گویی و بررسی سطحی متن لالایی‌ها اقدام علمی و سنجیده‌ای نیست، برای تبیین و تحلیل صحیح متن لالایی‌ها به قواعدی منطقی نیاز است.

در پژوهش حاضر بر این باور بوده‌ایم که میان صورت عینی زبان و اندیشه رابطه وجود دارد و به همین دلیل، تجربیات و احساسات و عقاید سراینده لالایی‌ها بر ساختار آنها اثر گذاشته است. در واقع، در لالایی‌ها «تفکر و گفتار را می‌توان از لحاظ طرح همچون دو دایره متقاطع در نظر گرفت که در قسمت‌های متداخل انطباق می‌یابند و چیزی را که تفکر زبانی نامیده می‌شود به وجود می‌آورند» (ویگوتسکی^۲، ۹۲). نحوه تفکر ملل در زبان لالایی‌ها نیز منعکس شده است. برای بررسی تطبیقی تفکر زبانی در لالایی‌های فارسی و انگلیسی، به یک نظریه قابل انطباق نیاز داریم. نظریه «فرانقش اندیشگانی»^۳ شرایط بررسی تطبیقی تفکر زبانی متن لالایی‌های فارسی و انگلیسی را فراهم می‌آورد. فرانقش اندیشگانی کاربردی رمزگشایانه دارد. در این شیوه تجربی، معناشناسی متن از طریق زبان صورت می‌گیرد. رویدادها در زبان انعکاس می‌یابند و بررسی گزاره‌های موجود در متن لالایی‌ها ما را به کشف رمز پنهان در رویدادها راهنمایی می‌کند. این شیوه در دستور نقش‌گرای هلبیدی بررسی فرانقش اندیشگانی نام دارد.

درباره لالایی‌ها شمار اندکی بررسی تطبیقی انجام شده که به این شرح است: «بررسی تطبیقی ساختار و درون‌مایه لالایی‌های فارسی و عربی» به قلم حسین کیانی و

1. O'Sullivan
2. Ideational metafunction

سعیده حسن شاهی در نشریه مطالعات ادبیات کودک (۱۳۹۱، ش ۶). این مقاله مضمون‌محور است و در بررسی تطبیقی بیشتر بر درون‌مایه متمرکز شده است. مقاله بعدی «بررسی تطبیقی کارگفت‌های به‌کاررفته در لالایی‌های دو فرهنگ کلامی فارسی و انگلیسی» به قلم آزاده شریف‌مقدم و پردیس شریف‌پور در نشریه ادبیات تطبیقی کرمان (۱۳۹۷، ش ۱۸) است که در آن انواع کنش‌های گفتاری بر اساس نظریه سرل بررسی شده است. ولی تا کنون تحقیق متمرکزی بر لالایی‌های فارسی و انگلیسی از منظر تحلیل گفتمان فرانقش‌های اندیشگانی انجام نشده است. نتایج پژوهش می‌تواند ارزیابی و تحلیل کنش‌های گفتمانی همسان و متفاوت در لالایی‌های فارسی و انگلیسی را به شکل مستند در اختیار قرار دهد.

در این پژوهش، پیکره‌ای شامل بیست لالایی منظوم از زبان فارسی و انگلیسی جمع‌آوری شده است. سپس فرایندهای فرانقش اندیشگانی تجربی، بر اساس نظریه هلیدی، از آنها استخراج، دسته‌بندی و تحلیل شده است. تلاش بر آن بوده است تا به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

- فرانقش‌های اندیشگانی در لالایی‌های فارسی و انگلیسی چه فرایندهایی دارد؟
- چه تشابهات و تمایزاتی در کاربرد فرانقش اندیشگانی لالایی‌های انگلیسی و فارسی وجود دارد و این امر از منظر تفکر زبانی چگونه تحلیل می‌شود؟

فرانقش اندیشگانی در لالایی‌ها

به‌رغم مؤلفه‌هایی که در ساختارهای همسان لالایی‌ها قرار دارد، بازتاب دیدگاه‌ها و جایگاه راویان و گویندگان لالایی‌ها را نیز، با وجود فواصل زمانی، می‌توان در پیکربندی این متون ادب عامه یافت.

روش بیان لالایی‌ها مستقیم، عملی و از دید روایی تک‌بعدی است و همین بازتاب‌دهنده محدودیت‌های زندگی راویان لالایی‌هاست. از سویی، زبان در لالایی‌ها عمدتاً زبانی معطوف به زبان گفتاری است، همان زبان زنده‌ای که مردم به عنوان ابزار ارتباط از آن استفاده می‌کنند. این ویژگی ابزار مناسب و کارآمدی را برای راویان لالایی‌ها فراهم آورده است. معمولاً در لالایی‌ها جمله‌ها تک‌فعلی، قابل دریافت و

ساده هستند. واژه‌ها اغلب در آن تکرار می‌شود و دریافت فنون بلاغی آن دورازذهن و پیچیده نیست.

متن لالایی واقعی متکی به پاسخ از جانب مخاطب نیست تا واکنش مخاطب را به تغییرات و تنش‌هایی که در محیط پیرامون رخ می‌دهد نشان دهد؛ بُعد کلامی در ریتم قرار می‌گیرد و همین برای کودک کافی است اما آنچه باعث تداوم لالایی می‌شود سلطهٔ واژگان در قلمرو کسی است که متن را تکمیل می‌کند.

در این میان، بررسی متون از منظر فرانتش اندیشگانی عملکردی رمزگشایانه است. در این شیوهٔ تجربی، انتقال مفاهیم از طریق زبان صورت می‌گیرد و «واحد معنادار دستوری بند است» (شیبانی اقدام ۱۰۵). رویدادها در زبان انعکاس می‌یابند و این امر در دستور نقش‌گرای هلیدی به فرانتش اندیشگانی تعبیر شده است. در این میان، مجموعه‌ای از اصطلاحات ابداع می‌شود که در کدهای زبانی مشابه یا متضاد نظام‌گذاری قرار می‌گیرند؛ از نظر نقش‌گرایان، این مفاهیم در ملاک‌های نقشی - معنایی استفاده می‌شود (راسخ مهند ۱۷۳) و با تکیه بر آنها می‌توان متن را تجزیه و تحلیل کرد. گذاری در قالب افعال به فرایندهای مختلف درجه‌بندی می‌شود که شامل «مادی، رفتاری، ذهنی، کلامی، رابطه‌ای و وجودی» هستند (رضویان و احسانی ۱۴۷).

فرایندهای برخاسته از بررسی تطبیقی لالایی‌ها می‌تواند فرایندی اجتماعی، یا برجسته‌سازی نوعی از مداخله در گفت‌وگو، بحث و مناقشه در روابط اجتماعی و فردی و در نهایت محصولی نمادین برای آگاهی زیباشناسانه دربارهٔ متن لالایی‌ها باشد. در ادامه برای دستیابی به تحلیل تفکر زبانی متن لالایی‌ها به تفصیل به این فرایندها می‌پردازیم.

۱. فرایند مادی

این تجربه با امور مادی و عملی سروکار دارد و اعمال فیزیکی را در برمی‌گیرد. از نظر هلیدی، این فرایند جزو فرایندهای سه‌گانهٔ اصلی است (هلیدی و متیسن^۱، ۲۰۰۴: ۱۲۴). افعال در این فرایند کنشگری یا کنش‌پذیری دارند (اگینز^۲، ۲۰۰۷: ۲۱۴) و گاه

1. Halliday and Matthiessen

2. Eggins

توصیف یک رویداد و حالت با آن بیان می‌شود. نمونهٔ افعالی که کنشگری دارند «دیدن» و نمونهٔ افعالی که کنش‌پذیری دارند «ضربه خوردن» است. در لالایی‌های فارسی و انگلیسی افعالی که به کار رفته‌اند غالباً تبیین‌گر نیازها و خواسته‌های کودکان نیستند، بلکه شرح احوالی از راوی‌اند. در واقع، لالایی‌گاه «داستان غمبار و پرفرازونشیب مادری است که گذشته از زحمات طاقت‌فرسای جسمی ناشی از فعالیت‌های مختلف اقتصادی، خانه‌داری و غیره، [...] لالایی را وسیله‌ای برای خواب کردن کودک، فرصتی برای زمزمهٔ درددل‌ها و بیان غم‌ها به گوش کودک خواب‌آلودش به عنوان سنگ صبور خود می‌داند و کودک، بی‌آن‌که مضمون این زمزمه‌های سحرانگیز را دریابد، در نشئهٔ موسیقایی آن رها می‌شود» (مقدسی ۱۶۳) اما آنچه در این تحلیل اهمیت دارد علل به کارگیری فرایندهای مادی در متن لالایی‌هاست که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

لالالا گل مینا/ بخواب آروم، گل بابا/ بابا رفته، سفر کرده/ الهی زودی برگرده/ لالالا گل لاله/ می‌ریم فردا خونه خاله/ ندیدم خاله جانت را/ الان چندین و چند ساله (جاوید ۵۰)

راوی درون متن مادر است و بیان می‌کند که پدر به سفر رفته است و دعا می‌کند به زودی بازگردد. در ادامه، او شکایتی دیگر دارد و می‌گوید چندین و چند سال است که خواهرش را ندیده است. در این جمله‌ها با پاره‌ای ابهامات مفهومی در سبک زندگی این مادر مواجه می‌شویم. علت ندیدن خواهر چیست؟ از سویی دیگر، در این لالایی یک وعدهٔ علنی مشاهده می‌شود. مادر به فرزند می‌گوید اگر بخوابد او را به خانهٔ خاله خواهد برد. از سویی دیگر، گویی متن از عناصر زیبایی تنها ریتم و آهنگ را با خود حمل می‌کند. اما نکته اینجاست که لالایی‌ها، بنا به ماهیت خود، مدعی بازتاب گونه‌های منتخب نوشتاری ویرایش‌شده و صیقل‌یافتهٔ شعر و ادب نیستند. در واقع، به متن حاضر برحسب هنجارهای حرفه‌ای هنر شعر پرداخته نشده است. بنابراین، کاربرد فرایند مادی فعل، به صورت ناخودآگاه، بندها را محسوس و ملموس‌تر می‌کند و واقعیات پیش‌پافتاده را در فرایندی مادی ارائه می‌دهد. در لالایی انگلیسی نیز می‌خوانیم:

Hush little baby don't say a word/ Papa's gonna buy you a mockingbird/ And if that mockingbird won't sing/ Papa's gonna buy you a diamond ring/ And if that diamond ring turns brass/ Papa's gonna buy you a looking glass/ And if that

looking glass gets broke/ Papa's gonna buy you a billy goat/ And if that billy goat won't pull/ Papa's gonna buy you a cart and bull/ And if that cart and bull fall down/ You'll still be the sweetest little baby in town (Corp 12).

ترجمه: هیس کوچولو، هیچ چیز نگو، بابا قرار است برایت مرغ مقلد بخرد و اگر آن مرغ سخنگو نخواند حلقه‌الماس می‌خرد. اگر حلقه فلزی‌اش زنگ زد عینک می‌خرد. اگر عینک شکست بزی برایت می‌خرد که همدمت باشد. اگر آن بز هم نشد. پدر برایت گاو و ارابه می‌خرد و اگر آن هم کار نکرد و زمین خورد تو همچنان شیرین‌ترین کودک شهر باقی خواهی ماند.

در این لالایی با پاره‌ای از جملات شرطی مواجه می‌شویم. راوی یا مادر وعده‌های متنوع به کودک می‌دهد که تمامشان فرایندهایی مادی است و شعر با بندی غیرمادی به پایان می‌رسد. از متن لالایی برمی‌آید پدر نیست، چون قرار است چیزهایی برای کودک بیاورد. در فرایندهای مادی لالایی‌های فارسی و انگلیسی افعال متفاوتی به کار رفته است و شباهت‌های نزدیکی بین تعدادی از افعال دیده می‌شود. فرایند مادی لالایی‌های انگلیسی شامل «دراز کشیدن، چرت زدن، بستن چشم، استراحت کردن، طلوع کردن، لبریز شدن، نگاه کردن، تماشا کردن، دیدن، بیدار بودن، رویدن، بوسیدن، خریدن، رنگ زدن، شکستن، بستن، کار نکردن، زمین خوردن، آمدن، شیبور زدن، جارو کردن، شستن، درخشیدن و سوسو زدن» می‌شود و فرایندهای مادی لالایی‌های فارسی شامل «رفتن لولو، شستن، آوردن، شوهر کردن، سفر کردن، بیرون رفتن، بستن (در و چشم)، رسیدن، بیدار شدن، داشتن، دیدن و ندیدن، تب داشتن، بوسیدن، دوختن، برگشتن، زیارت رفتن، آمدن، نان دادن، تابیدن، نگاه کردن». همان‌طور که دیده می‌شود افعال کنشی در میان این فرایندها بیش از افعال پذیرشی است و غالب افعال کنش‌های بزرگسالانه است. باز نمود رویدادهای واقعی و کاربرد افعال با فرایند مادی نوعی اعتباربخشی به واقعیات روزمره‌ی راویان لالایی‌هاست که غالباً زنان هستند، کسانی که در آوازه‌های سینه‌به‌سینه زندگی خصوصی و محسوس خود را بیان می‌کنند. در این میان، افعال نمایانگر فرایند مادی دارای قدرت تولید مفهوم خاصی از واقعیت‌های قابل دریافت هستند. مشخصه اصلی لالایی‌های دو کشور کنشگری است و کاربرد آن در هر دو نزدیک به هم و همسان است.

۲. فرایند رفتاری

فرایندها بر اساس شکل معنایی‌شان تقسیم‌بندی می‌شوند (مهاجر ۴۰). فرایند رفتاری از نظر هلیدی فرعی به شمار می‌آید (هلیدی و متیسن ۲۴۹) و بر اعمالی دلالت می‌کند که نوعی واکنش روحی و روانی را نشان می‌دهد. «گریستن» و «خندیدن» از جمله این افعال است. اِگینز معتقد است خوابیدن نیز، که عملی به منظور جستن آرامش است، فرایندی رفتاری به شمار می‌آید (اِگینز ۲۲۹-۲۳۱) و به دلیل این‌که بین فرایند مادی و ذهنی قرار می‌گیرد در گروه فرایندهای فرعی در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که نقش اصلی لالایی‌ها آرام‌بخشی و ترغیب کودک به خواب است پربسامدترین افعال موجود در فرایند رفتاری در ده لالایی فارسی و ده لالایی انگلیسی «خوابیدن و لالا کردن» است. نکته قابل تأمل آن است که بار معنایی خوابیدن در این لالایی‌ها متفاوت است و در لالایی‌های فارسی، شکل منفی و اعتراض‌گونه این فرایند بیش از لالایی‌های انگلیسی است. برای نمونه:

لالایی کن عزیزم دنیا زشته / همه چی توی دست سرنوخته / لالایی کن نبینی اشک من رو /
نبینی خون دل رو زخم تن رو / لالایی کن که شاید توی رؤیا / قشنگ‌تر شن همه رسمای دنیا /
لالایی کن که من آروم بگیرم / شاید وقتی که خوابیدی بمیرم / لالایی کن منم با تو می‌خوابم /
که مثل عکسی کهنه توی قابم / لالایی کن چشات مثل ستاره / داره خاموش می‌شه از غم
دوباره / لالایی کن که تب داره نگاهت / مثل من بگذر از بخت سیاهت / لالایی کن دل غمگین
و رسوا / بذار راحت بشی از درد دنیا / لالایی کن شدی پژمرده و زرد / که لعنت بر کسی که با
تو این کرد / لالایی کن که با هم آروم بگیریم / و اون وقتی که خوابیدیم بمیریم.

در این لالایی، کودک به خواب دعوت می‌شود تا در عالم بیداری، غم و خون دل خوردن و زخم تن داشتن مادر را نبیند. گویی راوی دنیای آرمانی و زیبا شدن رسم‌های دنیا را چیزی دست‌نیافتنی می‌داند که فقط در خواب امکان‌پذیر است. مادر حتی آرامش خود را در گرو آرام شدن کودک و به خواب رفتن او می‌داند و در این بند که «شاید وقتی که خوابیدی بمیرم» آرزوی خلاص شدن و رهایی خود را بیان می‌کند.

در فرایند رفتاری، لالایی ابزاری است برای باز نمود الگوهای رفتاری. تبیین واکنش روحی و روانی به راوی امکان می‌دهد تصویر ذهنی خود را از واقعیت غیرمحسوس

ارائه کند. این واقعیت حاوی عناصر وابسته و جانبی است که قواعد ترکیبی خود را می‌سازد زیرا بیان حالات روحی و رفتاری به کلمات متکی است و راه دیگری برای بیان آن در نوشته وجود ندارد. کاربرد فرایند رفتاری در لالایی‌های فارسی بسیار قابل ملاحظه است. در نمونه انگلیسی، شرایط متفاوت و کمتر است. چنین می‌خوانیم:

Sleep, my babe, no ill betide thee/ All through the night/ Guardian angels watch beside thee/ All through the night/ O'er thy cradle stars are beaming/ Silver bright the moon is gleaming/ You shall tread the land of dreaming/ All through the night/ While the earth in calm reposes/ All through the night/ You shall sleep as sleep the roses/ All through the night/ Hushed from sorrow and repining/ Rest until the sun is shining/ In my loving arms reclining/ All through the night (Corp 35).

ترجمه: بخواب فرزندم. هیچ خطری برای تو اتفاق نمی‌افتد. در تمام طول شب، فرشتگان نگهبان اطرافِ تورا می‌بینند. بر فراز گهواره، ستاره‌ها می‌درخشند، نور نقره‌ای مهتاب سوسو می‌زند. تو باید به سرزمین رؤیا گام بگذاری، در تمام طول شب، در هنگامی که زمین در آرامش آرمیده است، در تمام طول شب، تو باید بخوابی همان‌گونه که گل‌های سرخ خوابیده‌اند، در تمام طول شب، دور از غم و شکایت، بخواب تا زمانی که خورشید شروع به درخشیدن کند. در میان بازوان عاشق من، به پشت بخواب، در تمام طول شب.

در این لالایی، مادر کودک را به خواب لذت‌بخش دعوت می‌کند و برای ایجاد این آرامش به او می‌گوید فرشتگان محافظ او هستند و طبیعت (درخشش ستاره‌ها، سوسوی مهتاب، خوابیدن گل سرخ) مانند او آرام و زیباست.

فرایند رفتاری لالایی‌های انگلیسی در افعال «خوابیدن، لالایی کردن، گریه کردن، بی‌تاب شدن، خندیدن، لیخند زدن، صدمه زدن، ترسیدن، وحشت کردن، آرامش داشتن، دور از غم خوابیدن، محافظت کردن، نگهبانی کردن» نمود دارد. در لالایی‌های فارسی این فرایند شامل افعال «خوابیدن، لالایی کردن، داغ دیدن، گذشتن از بخت سیاه، راحت شدن، آرام گرفتن، خاموش شدن، رنگ خوشی گرفتن، پردرد بودن، فراموش کردن، آرام گرفتن، بی‌قرار شدن، بی‌تاب شدن، قربان صدقه رفتن، بد آمدن» می‌شود. همان‌طور که دیده می‌شود، فرایند رفتاری بیرونی است و نمود خارجی دارد. در افعالی که در لالایی‌های انگلیسی به کار رفته‌اند شکل پذیرشی بیش از افعال کنشی است.

۳. فرایند ذهنی

فرایند ذهنی شامل امور شناختی می‌شود (هلیدی و متیسن ۱۹۷). این فرایند، برخلاف فرایند رفتاری که به احساسات بازمی‌گردد، از خاستگاه ادراک، فکر و فهم برمی‌خیزد. «خیال کردن»، «خواب دیدن»، «تصور کردن»، «فهمیدن»، «دیدن و نگاه کردن» (به معنای اندیشیدن) و «شنیدن» (به معنای پذیرفتن) جزو این افعال هستند. در لالایی‌های فارسی و انگلیسی از فرایند ذهنی همسان استفاده شده است، با این تفاوت که محتوای ارائه‌شده به کمک این فرایند در لالایی‌های انگلیسی صددرصد مثبت است ولی در لالایی‌های فارسی شاهد تعداد محدودی از افعالی هستیم که انتظار منفی در ذهن ایجاد می‌کنند. به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

از این بچه چه می‌خواهی؟ / لالالالا گل نسرین / بیرون رفتین، درو بستین / منو بردین به هندستون / شوهر دادین به کردستون / بیارین تشت و آفتابه / بشورین روی شهزاده / که شهزاده خدا داده / لالالالا، گل چایی / لولو! از من چه می‌خواهی؟ / که این بچه پدر داره / که خنجر بر کمر داره (زرگر ۱۴۱).

مادر، ضمن شکایت از وضعیت، با این بند که «از این بچه چه می‌خواهی» یا «لولو از من چه می‌خواهی» نگرانی‌اش را اعلام می‌کند. این انتظار در ذهن خواننده ایجاد می‌شود که گویی شرایط بدی وجود دارد و مادر، با طرح این استفهام انکاری، بدی شرایط را در لالایی بازتاب می‌دهد. این نگاه منفی در لالایی‌های فارسی می‌تواند بیانگر وضعیت نابسامان اجتماعی زنان در مقاطع زمانی مختلف باشد، هرچند تعداد آنها در لالایی‌ها محدود و اندک است.

در نمونه‌ای دیگر، که تخیل نیرومندی در آن موج می‌زند، می‌خوانیم:

لالایی کن بخواب بابا بیداره / گل بوسه روی دستات می‌کاره / لالایی کن بخواب ای نور چشم / با تو رنگ خوشی می‌گیره دنیا / تا خواب ببینی شاهزاده قصه / به روی اسب بالرداری نشسته / تو را می‌بره رو ابرای آبی / تا رو ابرا به آرومی بخوابی.

راوی، کودک را به خواب خوش و رؤیا دیدن دعوت می‌کند. به او می‌گوید بخواب تا در خواب ببینی شاهزاده قصه‌ها بر اسب بالدارش نشسته است و به دنبال تو می‌آید تا

تو را به ابرها ببرد. استفاده از زبان تخیلی و وقوع ماجرا با افعالی که تصورشان نیز تنها در ذهن ممکن است از مشخصه‌های ساختاری این فرایند است. این افعال تا حدی قابل قیاس با نمونه لالایی‌های انگلیسی است:

Sleep, baby, sleep/ Your father tends the sheep/ Your mother shakes the dreamland tree/ And from it fall sweet dreams for thee/ Sleep, baby, sleep/ Sleep, baby, sleep (Corp 41).

ترجمه: بخواب ای کودک، بخواب. پدرت مراقب گوسفندان هست و مادرت درخت شهر رویاها را تکان می‌دهد و از آن درخت رویاهای شیرینی برای تو می‌افتد. بخواب ای کودک، بخواب.

مادر خود را کسی معرفی می‌کند که درخت شهر رویاها را تکان می‌دهد، درختی که میوه آن رویاهای شیرین است کاملاً با تخیل و ذهن سروکار دارد. دقت در این لالایی نکته دیگری را آشکار می‌سازد: در این فرایند ذهنی، زنجیره‌های روایت به کمک افعال شناختی صورت گرفته است هرچند ضعیف یا قوی بودن افعال به ادراک راوی برمی‌گردد. در این فرایند، شاهد تضادهای دو وجهی نیز هستیم. بخش اول روایت به پدر برمی‌گردد که در حال مراقبت از گوسفندان در ماجرای خیالی روایت است اما نشانه‌ای از تخیل ندارد و بخش دوم کاملاً ذهنی است و با چیدن میوه از درخت رویا تکمیل می‌شود.

در لالایی‌های انگلیسی چنین فرایندی با افعال «دانستن، عروج کردن، چشمه آرزو بودن، امید داشتن، رؤیا دیدن، لبخند زدن در رؤیا و به سرزمین رؤیا رفتن» بیان شده است و در لالایی‌های فارسی شامل افعال «خواستن، بر ابر خوابیدن، بر اسب بالدار نشستن، خواب دیدن» می‌شود.

اتصال نشانه‌های موجود در متن، عناصر روایی و تکنیک‌ها در فرایندهای ذهنی لالایی دو کشور نشان می‌دهد مرزهای فرهنگی در این مقوله به یکدیگر نزدیک است و این امر بر اعتبار قوه تخیل در فرهنگ عامه دلالت دارد اما نقطه متفاوت ایجاد انتظار منفی در ذهن شنونده است. نگرش منفی نهفته در ژرف‌معنای فعل در یک‌چهارم از افعال لالایی فارسی به چشم می‌خورد ولی چنین نگرشی در افعال انگلیسی وجود ندارد و حس لذت ذهنی در آنها بیش از تصور رنج است. نکته قابل تأمل دیگر آن است که

در این گروه، افعال کنش‌پذیر در لالایی‌های فارسی پرکاربردتر از لالایی‌های انگلیسی هستند.

۴. فرایند کلامی

فرایند کلامی از فرایندهای فرعی فرانش اندیشگانی است. افعالی مانند «گفتن»، «خواندن»، «پرسیدن»، که با کنش گفتاری ارتباط دارند، در این مقوله می‌گنجند. راوی لالایی‌ها گاه به صراحت با به‌کارگیری فرایند کلامی تأکید می‌کند که فقط خود او گوینده یا خواننده ماجرا یا قصه است. در این شرایط است که او به عنوان مادر مرجع قدرت کلام می‌شود و لالایی را به سمت خود کانونی‌سازی می‌کند. در نمونه‌ای می‌خوانیم:

برات قصه می‌گم تا که بخوابی / دیگه اشکی نریز نکن بی‌تابی / می‌گم حکایت بره و گرگه /
برات می‌گم که دنیا چه بزرگه / بخواب ای کودک من گریه بسه / از اشکای تو این قلبم
شکسته / نذار مروارید چشمت حروم شه / لالایی می‌خونم تا شب تموم شه / لالایی کن لالایی
کن لالایی.

در این لالایی، مادر با فعل «گفتن» به کودک تأکید می‌کند که خود شخصاً به خواباندن او اقدام کرده است. مادر به کودک وعده قصه‌گویی را می‌دهد و نام قصه را بر زبان می‌آورد. او فقط خود را مایه آرامش کودکش می‌داند و تأکید می‌کند برای آرامش کودکش حتی حاضر است تا پایان شب لالایی بخواند و قصه بگوید. در لالایی‌های انگلیسی نیز شاهد نمونه‌هایی هستیم که فرایند کلامی ظریف و زیرکانه به کار گرفته شده است:

Golden slumbers kiss your eyes/ Smiles await you when you rise/ Sleep, pretty
baby Do not cry/ And I will sing a lullaby/ Cares you know not/ Therefore sleep/
While over you a watch I'll keep/ Sleep, pretty darling,/ Do not cry, And I will
sing a lullaby (Corp 53).

ترجمه: خواب‌های طلایی چشم‌هایت را می‌بوسند. لبخند در انتظار توست، وقتی که بیدار
می‌شوی. ای کودک زیبا، گریه نکن، من برایت لالایی خواهم خواند. خطری نیست، پس
آسوده بخواب و من تماشايت می‌کنم و مراقبت هستم وقتی خوابی. ای کودک زیبا، گریه نکن،
من برایت لالایی خواهم خواند.

در این لالایی، همچون لالایی‌های دیگر انگلیسی، شعر با بیتی تکراری به پایان می‌رسد. با دقت در این لالایی درمی‌یابیم راوی تأکید می‌کند کسی که لالایی می‌خواند همان کسی است که مراقب کودک خواهد بود.

Sleep serenely, baby, slumber/ Lovely baby, gently sleep/ Tell me wherefore art thou smiling/ Smiling sweetly in thy sleep?/ Do the angels smile in heaven/ When thy happy smile they see?/ Dost thou on them smile while slumb'ring/ On my bosom peacefully (Corp:47).

ترجمه: آرام بخواب کودک لاجباز، دوست‌داشتنی، آرام بخواب. بگو به چه دلیل می‌خندی، برای چه به شیرینی در خواب می‌خندی؟ آیا فرشتگان در بهشت می‌خندند وقتی که لبخند زیبایی تو را می‌بینند؟ تو هم بر آنها می‌خندی، زمانی که چرت می‌زنی.

در این شعر مادر از کودکش می‌خواهد که دربارهٔ مشاهداتش حرف بزند اما سؤال‌های او در واقع پاسخ‌هایی است که خود دوست دارد با توجه به باورهایش بدهد. این پیام لالایی، یا به بیانی دیگر کانونی‌سازی راوی (مادر) در لالایی، تحت تأثیر ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و باورهای راوی شکل گرفته است. تأثیر انتقال پیام تنها زمانی نیست که مردم متوجه پیام شوند بلکه در زمانی که آن را سینه‌به‌سینه نقل می‌کنند بر باور آن رفتارها و عادات تأکید صورت می‌گیرد. ظرفیت و شدت انتقال ارزش‌های فرهنگی در هر دوره یا کشوری متفاوت است اما کانونی‌سازی مادر در لالایی‌ها در کنشگری به کمک فرایند کلامی نقطهٔ اشتراک هر دو کشور موردبررسی است.

۵. فرایند رابطه‌ای

فرایند رابطه‌ای بنا بر ارتباط بین پدیده‌ها بر اساس دلالت تبیین می‌شود (اگینز ۱۴۰). افعال «بودن» و «شدن» در گروه این فرایند به شمار می‌آیند. این افعال در صورتی معنی می‌دهند که درون طیفی از شناسه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص قرار بگیرند تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند. نمونه‌ای از بازتاب این فرایند را در لالایی زیر می‌خوانیم:

سوزنم شعاع خورشید/ نَخَم رشتهٔ بارون/ از حریر صبح روشن/ می‌دوزم پیرهن الوون/ واسه تو بچهٔ شیطان/ لالالالا، لالالالا/ پیشونیت آینهٔ روشن/ دو تا چشمات، دو تا شمعدون/ بسه مهتاب تو ایون/ دیگه چشماتو بخوابون/ لالالالا، لالالالا (زرگر ۱۳۵).

فعل ربطی «است» در هر بند حذف شده است: «سوزنم شعاع خورشید است»؛ «نخم رشتۀ باران است»، «پیشانی‌ات آینه روشن است»، «دو تا چشم‌هایت دو تا شمعدان است». برخی از این کلیشه‌ها، به دلیل عجین بودن زنان با دوخت و دوز، در بسیاری از کشورهای دنیا آشنا و پرکاربرد هستند. زاویۀ استفاده از فعل ربطی در این شعر مشخص است و گزاره‌ها جنبه اظهاری دارند. امور ثابتی با این گزاره‌ها تعریف شده‌اند که همان طرح‌واره‌های نقش اجتماعی زنان است.

لالایی کن بخواب خوابت قشنگه / گل مهتاب شب‌ت هزار تا رنگه / یه وقت بیدار نشی از خواب قصه / یه وقت پا نداری تو شهر غصه / لالایی کن مامان چشم‌باش بیداره / مثل هر شب لولو پشت دیواره / دیگه بادکنک تو نخ نداره / نمی‌رسه به ابر پاره‌پاره (همان ۶۸).

«قشنگ بودن خواب»، «هزار رنگ بودن شب»، «بیدار بودن چشم مادر»، «بودن لولو در پشت دیوار» محتوای ساخته‌شده به کمک افعال ربطی است. تغییرپذیری و ماهیت پرکشش در این بودن‌ها وجود ندارد و این امر در افق معنی‌داری نمایان شده است که نامش لالایی است.

Silent night, holy night/ All is calm, all is bright/ Round yon virgin mother and child/ Holy infant so tender and mild/ Sleep in heavenly peace (Corp 78).

ترجمه: شب آرام، شب مقدس، همه چیز در آرامش است، همه چیز تابناک است. در اطراف تو، مادر مقدس و کودک هستند، طفل مقدسی که بسیار ساکت و لطیف است. بخواب در یک آرامش بهشتی.

این لالایی مذهبی، در فرهنگ انگلیس، علاوه بر خواباندن کودکان در منزل، در مراسم تدفین کودکانی که گرفتار مرگ زودهنگام شده‌اند نیز خوانده می‌شود. راوی اعلام می‌کند همه چیز در آرامش است، همه چیز روشن است و مادر پاک و کودکش (حضرت مریم و حضرت مسیح) نیز کنار کودکان ساکت و لطیفشان هستند. تمام این عبارات یک اطلاع‌رسانی دینی را در خود جای داده است. اگر باور داشته باشیم «در ورای ساختار رسمی، اغلب یک ساختار غیررسمی نیز وجود دارد» (شارع‌پور ۱۸۰)، ساختار غیررسمی در اینجا همان نظام دینی حاکم بر اجتماع است که در لالایی نمود

پیدا کرده و به دلیل ساختار دینی و مفهوم ایدئولوژی لزوم‌گرا، مورد تأیید اعضای جامعه بوده، تا حدی که در مراسم مهم تدفین نیز خوانده می‌شده است.

۶. فرایند وجودی

این فرایند مربوط به بودن و نبودن، وجود داشتن و باقی ماندن از منظر هستی‌شناسی است (هلیدی و متیسن ۲۱۱). در واقع، «وجود» در این مقوله پدیده‌ای مهم است و با افعال ربطی، که بر دلالت‌ها متمرکز است، پیوند و ارتباط ندارد.

لالا لالا گل دشتی همه رفتن تو برگشتی / خداوندا تو پیرش کن زیارت‌ها نصیبش کن / لالا لالا گل زردم نبینم داغ فرزندم / خداوندا تو پیرش کن کلام‌الله نصیبش کن / لالا لالا گلم باشی بزرگ شی همدمم باشی / خداوندا تو ستاری همه خوابن تو بیداری / به حق خواب و بیداری عزیزم را نگه داری / لالا لالا گل خشخاش بابات رفته خدا همراهش (جاوید ۳۰).

در این لالایی، بیشتر فعل‌ها از نوع امری و دعایی است. در مصراع اول، مادر اشاره می‌کند که کسی جز کودک برایش نمانده است. او نگران از دست دادن فرزندش است و به همین دلیل شروع به دعا می‌کند و خواستار طول عمر فرزندش می‌شود. در واقع، او موجودیت کودک را برای خودش به عنوان همدم و پرکننده تنهایی‌ها می‌خواهد. در لالایی‌های فارسی، این فرایند شامل افعال «پدر داشتن، گل (فرزند) داشتن، گل بودن، مونس و همدم داشتن، درمان بودن، مردن، بودن خدا، دنیا بودن، دور نبودن، همیشه در بر بودن، تاج سر بودن، از سر واشدن» می‌شود. افعال به کاررفته در لالایی‌ها محدود هستند و گاه برخی از افعال بار معنایی منفی دارند.

متن زیر یکی از بلندترین و ادبی‌ترین لالایی‌های انگلیسی است. در این متن رابطه متقابل و زیبای فرزند و مادر به طور کامل ترسیم شده است:

You are my Child of Sunshine/ You are my very brightest moon,/ You are the starlight in my eyes/ From July right through June/ You are the well where I do wish/ Where fountains overflow/ You are my deep primeval forest/ Where the tall pines grow/ You are my still and sleeping lake/ You are my winter squall/ And through all your changing moods/ Deeper in love with you I fall/ You are my wolf that howls at night/ You are my owl that hoots and cries/ And through all those darkened hours/ I sing you lullabies/ You are my ocean's wisest dream/ You are my cool wind's favorite dance/ I am yours and you are mine/ And none of this is by chance/ You are my Child of Sunshine/ And when you travel near or far/ I hope that you will always know/ My heart is where you are (Corp 99).

ترجمه: تو فرزند آفتابی من هستی، نور چشمک‌زن درون چشم‌های منی و شفاف‌ترین ماه برای من هستی، از ماه ژوئیه تا ژوئن [همیشه] برای من این گونه‌ای. تو چشمه‌ای هستی که من در آن آرزوهایم را جست‌وجو و طلب کردم، جایی که سرچشمه‌ها لریز می‌شوند. تو اولین جنگل عمیق وجود من هستی، جایی که درختان بلند کاج می‌رویند، تو برای من برکه‌ای هنگام خواب هستی [آرامش‌بخش]. من برای لالایی می‌خوانم. تو باد و باران زمستانی من هستی. تو گرگی هستی که در شب زوزه می‌کشی و مانند جغدی که جیغ می‌زنی و گریه می‌کنی [حالات کودک در هنگام خواب و ناله و گریه‌های هنگام خواب او] و در میان تمام آن ساعت‌های تاریکی، من برای تو آواز لالایی سر می‌دهم. تو آرزوهای عاقلانه من هستی که مثل اقیانوس بزرگ هستند [آرزوهای دست‌یافتنی‌ام را، که خیلی دورند و از روی احساس نیستند، درون تو می‌جویم]. تو مال من هستی و من نیز از آن توام و هیچ کدام از اینها اتفاقی نیست. تو فرزند آفتابی‌ام هستی، وقتی که به دور یا نزدیک سفر می‌کنی، امیدوارم این را همیشه بدانی که قلبم آنجاست که تو هستی.

در این لالایی، مادر کودکش را عین عالم هستی و عالم هستی را عین کودکش می‌بیند و وجود کودک را متعلق به خود و خود را متعلق به کودک می‌داند. به نظر می‌رسد توجه به موجودیت و هویت وجودی کودکان در لالایی‌های انگلیسی بیش از لالایی‌های فارسی است و این امر به زیرساخت توجه به کودکان به لحاظ تاریخی برمی‌گردد. با توجه به این‌که قدمت طرح مبحث کودکی و به رسمیت شناختن آن در انگلیس از دوره رنسانس برجسته شد و با این‌که زمان دقیق سرایش لالایی‌ها نامعلوم است، گمان می‌رود که این لالایی‌ها می‌تواند در جریان سیر تطور فرهنگی سروده شده باشد.

هاج و کرس استدلال کرده‌اند که توجه دقیق به گزینش‌های گوناگون متنی، خصوصاً افعال، می‌تواند نشان دهد که چگونه نیروهای اجتماعی متن را به مسیری خاص می‌کشانند: «در هر نقطه‌ای از متن، گزینش‌ها در دسترس گوینده و راوی است. [...] سؤال‌های متنوعی مطرح می‌شود که پاسخشان می‌تواند به تحلیل کمک کند: این که چرا صورت فعلی خاصی به جای دیگر صورت‌های دیگر افعال انتخاب شده است؟ چرا صرفاً این فرایند زبانی انتخاب شده است و نه دیگر فرایندهای ممکن؟» (هاج، کرس^۱ ۱۲۵). اینها همگی سؤال‌هایی هستند که می‌توانند زمینه لازم برای تحلیل گفتمان لالایی را فراهم سازد. در لالایی‌های انگلیسی، فرایند وجودی با افعال «بایستن، نبود پدر، بودن

فرزند، نورچشم بودن، ماه بودن (در معنای استعاری)، جنگل بودن، برکه خواب بودن، باد و باران زمستان بودن، گریه جغد بودن، آرزو بودن، رقص بودن، قلب بودن، کودک شیرین بودن، گرمی سینه بودن، در بازو بودن، بره بودن، نبودن پسر، نبودن چیز ترسناک، نبودن خطر، مال کسی بودن» بیان شده است.

اگر بخواهیم گزاره‌های وجودی در هر دو لالایی را خبری فرض کنیم، با در نظر گرفتن این نکته که خبر در بافت اجتماع معنا می‌یابد و بازتاب‌دهنده مشغولیت‌های درون جامعه زنان است، وجود فرزند برای زن در متن لالایی‌ها مکمل اصلی ماهیت زن بودن اوست. زنی که فرزند ندارد گویی هیچ نداشته است. یا از زاویه‌ای دیگر، آنچه باعث معنادار شدن زندگی زن می‌شود، وجود فرزند است.

کار دیگری که فرایند وجودی انجام می‌دهد ارائه تصویر واقعی از «هست» هاست. این واقعیت شبیه چیزی است که اعضای آن جامعه از آن باخبرند، هرچند آغشته به تخیل و تغزل‌های مادرانه باشد. تحلیل واژگان هنگامی که به چیزی فراتر از گزینش کلمات منجر شود، به نوعی بازنمود معنای جهان هر یک از افراد مشارکت‌کننده است، جهانی که مطابق با نیازهای فرهنگ هر جامعه ارائه، درک یا دریافت می‌شود. این فرایند به شکل محسوسی در لالایی‌های انگلیسی دیده می‌شود و کنش‌پذیری افعال از مشخصه‌های اصلی آن است.

جدول زیر بررسی فرایندهای اندیشگانی و فرانقش آن را در ساختار لالایی‌های فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد.

لالایی‌های انگلیسی				لالایی‌های فارسی				
کنش پذیر	کنشگر	انتظار منفی	تعداد	کنش پذیر	کنشگر	انتظار منفی	تعداد	فرایندها
	*	۸ درصد	۴۷		*	۹ درصد	۴۳	مادی
	*	۳۳ درصد	۳۹	*		۲۱ درصد	۵۴	رفتاری
*		۱۴ درصد	۲۹	*		۳۱ درصد	۱۳	وجودی
-	-	۲۰ درصد	۱۰	-	-	۱۱ درصد	۱۹	رابطه‌ای
	*	۰ درصد	۶	*		۲۵ درصد	۸	ذهنی
	*	۱۶ درصد	۷	*		۳۳ درصد	۳	کلامی
	*	۱۷ درصد	۱۳۸	*		۲۷ درصد	۱۴۴	جمع

نتیجه‌گیری

هر فرایندی ابعادی از مسائل اجتماعی را در متن لالایی‌ها نشان می‌دهد. تساوی کاربرد فرایندهای مادی، ذهنی و کلامی در لالایی‌های فارسی و انگلیسی مؤید چندین نکته است. فرایند مادی نشانگر قدرت تولید مفاهیم واقعی است و فرایند ذهنی آرمان‌ها و نگرانی‌ها و، به عبارتی دیگر، درون‌گرایی زنان و ظرایف روحی آنان را تبیین می‌کند. در این میان، فرایند کلامی در جهت کانونی‌سازی شخصیت مادر یا راوی گام برمی‌دارد و پرکننده‌ی خلاءهای اجتماعی این گروه در هر دو فرهنگ است. در مقایسه، فرایند رفتاری در لالایی‌های فراوان آمده و همین امر نشانگر نادیده گرفته شدن عواطف و احساسات زنان است. در مقابل، فرایند وجودی در لالایی‌های انگلیسی پرکاربرد است و خوانش حاصل از آن نشان‌دهنده اهمیت کودک در این فرهنگ و وابستگی ماهیت مادران و زنان به تولید و وجود فرزندان است. نکته آخر اینکه سنگین بودن کفه افعال کنشگر در لالایی‌های انگلیسی آن را از حالت انفعالی بودن و شکوه‌گری خارج کرده است و برعکس، کنش‌پذیری افعال در لالایی‌های فارسی نوعی تسلیم و فرمان‌برداری زنانه را ترسیم می‌کند. به علاوه، پیدایش وجوه انتظار منفی در لالایی‌ها، که در کاربرد افعال با نشانه‌ها و بار معنایی منفی نمود می‌یابد، ناشی از ترس و اضطراب زنان یا راویان لالایی‌هاست و کثرت آن در لالایی‌های فارسی قابل تأمل است.

منابع

- ارشاد، فرهنگ. «برداشتی جامعه‌شناختی از ادبیات عامیانه». فرهنگ مردم ایران، ۱/۴ (مسلسل ۱۲) (بهار ۱۳۸۷): ۳-۲۶.
- جاوید، هوشنگ. لالایی‌های ایرانی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- جمالی، ابراهیم. لالایی در فرهنگ مردم ایران. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۷.
- حسن‌لی، کاووس. «لالایی‌های مخملین: نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی». پژوهشنامه ادب غنایی، ۱/۱ (پاییز و زمستان ۱۳۸۲): ۶۱-۸۰.
- راسخ‌مهند، محمد. «لازم و متعدی در زبان فارسی». دستور (ویژه‌نامه نامۀ فرهنگستان)، ۱/۸ (زمستان ۱۳۹۱): ۱۶۹-۱۸۷.

- رضویان، حسین و وجیهه احسانی. «کاربرد استعاره دستوری گذرایی در مقایسه سبک دو رمان». *نقد ادبی*، ۱/۷ (مسلسل ۲۹) (بهار ۱۳۹۴): ۱۴۳-۱۶۵.
- زرگر، مسعود. *ششصد ترانه و لالایی*. تهران: آتنا، ۱۳۸۴.
- سپیک، جری. *ادبیات فولکلور ایران*. ترجمه محمد اخگری. تهران: سروش، ۱۳۸۴.
- شارع پور، محمود. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- شیبانی اقدم، اشرف. *کلیدواژه‌های سبک شناسی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۴.
- عمرانی، ابراهیم. *لالایی‌های ایران*. تهران: پیوند نو، ۱۳۸۱.
- مقدسی، صادق. «لالایی: کهن‌ترین زمزمه سحرانگیز مادر». *فرهنگ مردم ایران*، ۱/۲ (مسلسل ۲) (بهار ۱۳۸۳): ۱۵۷-۱۶۴.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی. *به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقشگرا*. تهران: مرکز، ۱۳۷۶.
- ولک، رنه و وارن آوستن. *نظریه ادبیات*. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ویگوتسکی، لو سمنوویچ. *زبان و تفکر*. ترجمه بهروز عزبدفتری. تبریز: فروزش، ۱۳۸۱.
- Corp, H. *The Lullaby Book*. New York: Anchor, 1992.
- Eggs, S. *An Introduction to Systematic Functional Linguistics*. Reprinted: New York, 2007.
- Halliday, M.A. and C.M. Matthiessen. *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold publisher Ltd, 2004.
- Hodge, R and G.Kress. *Language as Ideology*. England: Redwood book, 1996.
- O'Sullivan, Emer. *Comparative Children's Literature*. Plymouth: Scarecrow, 2005.